

# **The Necessity of "Active Resistance" In The Foreign Policy Of The Islamic Republic Of Iran (Model Of Iranian-Islamic Action In Foreign Policy)**

**Gholamreza Jamshidiha**

Professor ,the Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran. [gjamshidi@ut.ac.ir](mailto:gjamshidi@ut.ac.ir)

**Sobhan Mohammadi**

Corresponding Author, Master of International Relations, University of Tehran, Iran.

[sobhan.mohammadi@ut.ac.ir](mailto:sobhan.mohammadi@ut.ac.ir)

**Mohammad Bagher Mokaremi pour**

PhD student in Political Science, Shahed University, Tehran, Iran.

[bagher.mokarami@ut.ac.ir](mailto:bagher.mokarami@ut.ac.ir)

## **Abstract**

The present article entitled "The Necessity of Active Resistance in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran" is in fact an attempt to explain and prove the necessity of continuing the principle of resistance in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. "Resistance" is an inherent element of the identity of the Islamic Revolution. This concept has been a cause and direction in the emergence of the Islamic Revolution and has played a key role in its continuation and promotion. The aim of this research is to gain an understanding of the status and degree of discourse of governments to the value and degree of adherence of governments by searching, focusing, and measuring the coordinates of the position of resistance in the value and principled concept of the Islamic Revolution Thought . It also tries to examine the reason for the importance of resistance And by studying traditional and modern threats, it is necessary to identify active resistance as a strategy. In the first part of the article, the principles and background of the necessity of a resistance-oriented view in the

foreign policy of the Islamic Republic of Iran and the foreign policy discourses of the Islamic Republic of Iran from the beginning of the revolution until now are discussed. In the second part, the threats related to the foreign policy of the Islamic Republic of Iran are examined. A case study has also been conducted on the FATF as an international regime with internal consequences. It should be noted that for data collection and analysis in this study, the library method and written documents have been used.

**Keywords:** Resistance, Islamic Revolution, Islamic Republic, Security, Foreign Policy, FATF



# بایستگی «مقاومت فعال» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (الگوی کنش ایرانی - اسلامی در سیاست خارجی)

غلامرضا جمشیدیها

استاد تمام دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران، [gjamshidi@ut.ac.ir](mailto:gjamshidi@ut.ac.ir)

سبحان محمدی

نویسنده مسئول، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

[sobhan.mohammadi@ut.ac.ir](mailto:sobhan.mohammadi@ut.ac.ir)

محمد باقر مکرمی پور

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران، [bagher.mokarami@ut.ac.ir](mailto:bagher.mokarami@ut.ac.ir)

## چکیده

مقاله پیشرو با عنوان «بایستگی مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در واقع تلاشی در جهت تبیین و اثبات ضرورت تداوم اصل مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. «مقاومت» بخش لاینفک هویت و اصول انقلاب اسلامی است. این مفهوم هم در پدیدآمدن انقلاب اسلامی سبب‌ساز و جهت‌بخش بوده و هم در استمرار و ارتقای آن نقش اساسی را بازی کرده است. هدف پژوهش این است که با جستجو و تمرکز و مختصات‌سنجی جایگاه مقاومت در پندار ارزشی و اصولی تفکر انقلاب اسلامی، فهمی از منزلت و درجه پایبندی گفتمانی دولت‌ها به آن کسب کند و در انتها، با بررسی علت ضرورت‌بخش به اهمیت مقاومت با مطالعه تهدیدات سنتی و مدرن، به بایستگی مقاومت فعال، به‌عنوان یک راهبرد نائل شود. در بخش اول مقاله به اصول و پیشینه وجوب دیدگاه مقاومت‌محور در سیاست خارجی ج.ا.ا و گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو انقلاب تا کنون پرداخته شده و در بخش دوم، تهدیدات مرتبط با سیاست خارجی ج.ا.ا مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه موردی هم در باب نهاد FATF به‌عنوان یک رژیم بین‌المللی اما با تبعات داخلی، صورت گرفته است. لازم به ذکر است که برای جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه تحلیل در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و اسناد مکتوب استفاده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مقاومت، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، امنیت، سیاست خارجی،

FATF

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۰۵ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۲۹

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۳۷-۶۶

## مقدمه و بیان مساله

در بُعد سیاسی، تاکنون واژه «مقاومت» را به صورت مکرر و با تاکید در سطوح عالی تصمیم‌گیری و مدیریت نظام در ارتباط با ماهیت و موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران شاهد بوده‌ایم. تا جایی که می‌توان مدعی بود، مقاومت از اهداف کلان و جاودانه انقلاب اسلامی ایران است. همین امر موجب شده است که استمرار ارزشی و عینی مفهوم مقاومت در مکتب انقلاب اسلامی، نه تنها با گذشت زمان از اهمیت آن کاسته نشود، بلکه با وصف دگرگونی در ساخت نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و همچنین تغییر ماهوی و شکلی مقوله امنیت ناشی از تبعات آن دگرگونی، همچنان در صدر مطالبه بخش مهمی از نخبگان و جریان اصلی محافظه‌کار سیاست خارجی ایران قرار داشته باشد.

در قرآن مجید، بر فعل مقاومت با تعابیری مانند استقامت و ایستادگی یا رویارویی و پایداری در برابر دشمنان با عنایت و ایمان به امداد الهی تاکید شده است؛ آیاتی همچون آیه ۲۵۰ سوره بقره یا آیه ۱۱۲ سوره هود و یا آیه ۱ سوره ممتحنه، در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم به مفهوم مقاومت اشاره داشته است.

در روزهای آغازین دعوت و موعظه به اسلام از سوی پیامبر(ص)، ایشان پس از دعوت و ابلاغ پیام وحی، در برابر سرسختی و تهدیدات دشمنان و منکران حقیقت، جهاد و مقاومت را مورد تاکید قرار دادند (Badshahi & Bukhari, 2013). ایشان از همان روزهای آغازین بعثت، مقاومت در برابر تهدیدات مرتبط با مسلمین را مدنظر داشتند و مقابله و رفع آنها، یکی از گام‌های اساسی بود که در بررسی

تاریخ تحلیلی صدر اسلام می‌توان مشاهده کرد (سیدحسین زاده‌یزدی & شریف‌زاده، ۱۳۹۵) (Yazdi, Sharifzadeh, & Mohammadjavad, 2016). از سال ۱۱ تا ۳۵ هجری قمری یعنی دوران خلفا، تفکر و پیروان تشیع پیوسته و از همه لحاظ تحت فشار قرار داشتند اما به علت مقاومت و استواری در عقیده خود، پایداری آنها به نتیجه رسید (تا جایی که در دوران سلاطین آل‌بویه که شیعه بودند، تشیع کسب قدرت کرد یا از اوایل قرن دهم هجری و ظهور صفویان، که مذهب شیعه رسمیت یافت تا قرن کنونی، این روند به قوت خود باقی است) (طباطبائی، ۱۳۶۰) (Tabatabai, 1981). در ادامه و در رویکرد عملی امامان شیعه (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) هم به برجستگی ضرورت مقاومت برمی‌خوریم. بارزترین آنها در امر مقاومت، قیام امام حسین (ع) در برابر جمیع شداید روزگار خود بود (مطهری) (Motahhari).

در تفاسیر فقهی از مقاومت، به ضرورت جهاد برمی‌خوریم، که امر دفاع از دین اسلام و حریم و حدود مسلمانان و همچنین مقاومت در برابر تهدیدات، نوعی از واجبات به شمار آمده است. بر این اساس با بهره‌گیری از قرآن و روایات، جهاد ابتدایی صورت می‌گیرد. جهاد دفاعی، جهادی است که مسلمانان امر دفاع را در برابر هجوم دشمن و برای حفظ و حراست از سرحدات اسلامی، تحقق می‌بخشند (ورعی، ۱۳۸۹) (Varaei, 2010). این قضیه برای حکومت اسلامی تا جایی مهم است که می‌توان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را، شکل‌گیری «فقه مقاومت» دانست (امین‌فرد، ۱۳۹۸) (Amin Fard, 2019).

### اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف کلی ما، ابتدا اثبات وجوب «مقاومت» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیرو اندیشه انقلاب اسلامی، سپس لزوم تداوم آن به شکل فعال با واکاوی تهدیدات است. پرسش ما در این پژوهش این است که؛ چه چالش‌های سیاسی-امنیتی در جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی‌اش باعث می‌شود «مقاومت» ضرورت پیدا کند؟ آیا آن موضوعات چالش‌برانگیز، ظرفیت این را دارند که سیاست «مقاومت فعال» شکل گیرد و توسط نظام دنبال شود؟

## پیشینه تحقیق

آکرمان و رودال در مقاله مشترکشان، « ابعاد استراتژیک مقاومت مردمی»، به بررسی شرایط داخلی و بین‌المللی می‌پردازند که مقاومت به جهت تعیین سرنوشت و رهایی از سلطه، توسط مردم و هسته‌های سازمان‌یافته مقاومت، صورت گرفته است. مقاومت کارگران و معدن‌کاران آلمانی در دره روهر در ۱۹۲۳ و بعد از جنگ جهانی اول در مقابل حملات سربازان بلژیکی و فرانسوی، رهبری مردم هند در برابر استعمار انگلستان توسط گاندی و موارد دیگر، نمونه‌هایی از حرکت‌های مقاومت‌محور در این مقاله است (Ackerman & Rodal, 2008). گوردون و ویر در مقاله « امپریالیسم و مقاومت؛ شرکت‌های معدن کانادایی در آمریکای لاتین» با تشریح منطق و سیستم سرمایه‌داری و مفاهیمی مانند انباشت و سلب مالکیت، توضیح می‌دهند که چطور کمپانی‌های خارجی با توجه به منطق فوق، با آسیب‌ها و تخریب‌هایی که در جوامع آمریکای لاتین پدید آوردند، موجبات مقاومت کارگری در شیلی و کلمبیا و در کل در برابر استعمار خارجی را ایجاد کردند (Gordon & Webber, 2008). در تالیفات داخلی، نوری و مرشدی‌زاد در مقاله خود با نام «چالش‌های سیاسی خارجی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)» با تاکید بر شناسایی چالش‌ها و آسیب‌های سیاسی و خارجی پیش‌روی انقلاب و با استفاده از نظریه بحران اسپریگنز، استدلال می‌کنند که بنا بر نظر امام (ره) باید در برابر چالش‌های تضعیف‌کننده انقلاب مقاومت کرد (نوری & مرشدی‌زاد، ۱۳۹۷) (Nouri & Morshedizad, 2018). غفاری هاشجین و علیزاده در مقاله‌ای دیگر با عنوان « مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) » معتقدند که امام خمینی (ره) بر اساس درک فراگیر خود که انقلاب اسلامی را محصور در چارچوب ایران نمی‌دانستند، از حوزه دانشگاه می‌خواهند که در جهت تحقق و فعال‌شدن هسته‌های مقاومت در حوزه بین‌الملل، چارچوب‌های اصیل انقلاب اسلامی (که جزء اصول انقلاب اسلامی در سیاست خارجی هم هستند) را تبیین کنند (هاشجین & علیزاده، ۱۳۹۰) (Hashjin & Alizadeh, 2011).

## چارچوب مفهومی

در حوزه ساختاری و کلان، اگر حاکمیت بین‌المللی همراه با یک نگاه از بالا به پایین باشد و نظم موردنظر یک سیستم هژمونیک را بازتولید کند، در مقابلش، سیاست مقاومت که اغلب خصوصیت پایین به بالا و دگرگون‌کننده دارد، شکل می‌گیرد. این شکل از سیاست (مقاومت) تا همین اواخر توسط جریان اصلی روابط بین‌الملل نادیده گرفته می‌شد و سعی در خارج کردن آن از دستور کار داشتند اما این موضوع مورد تاکید و کاوش برخی نظریه‌پردازان و اندیشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. یکی از مشتاقانه‌ترین تاکیدها و تحلیل‌ها را باید در نگاه مارک روپرت بر دوگانه حکمرانی/ مقاومت جستجو کرد؛ او با تمرکز بر آرای گرامشی، تصویری از تقسیم جهان براساس منطق حکمرانی جهانی و تشکیل یک بلوک تاریخی جهانی ارائه داد (Maignashca, 2003). اما برای اولین بار، رابرت کاکس بود که از مفهوم موردنظر گرامشی درباره مقاومت برای مطالعه روابط بین‌الملل و ایستادگی در برابر جهانی‌سازی بهره برد (Stephen, 2011). مخالفان جهانی‌سازی استدلال می‌کنند که پروژه حکمرانی جهانی در راستای تسلط سیاست و اقتصاد هژمونیک جهانی است و شانس وقوع آن را بالا می‌برد و به طبقات مستضعف شمال و جنوب سیاسی بین‌المللی ظلم می‌کند. جنبش‌های مقاومت در سراسر جهان با این رویکرد و استدلال به مخالفت با حکمرانی جهانی پرداخته‌اند (Müller, 2005). در حاکمیت جهانی، نیروی تصمیم‌گیر یک مکانیزم حکمرانی جهانی است. در این شرایط، تمایل دولت‌های ملی و اکثریت فعال داخلی آنها در برابر دستورات حاکمیت جهانی که موردپسند واقع نشده، مقاومت است (KOMEsAR, POIARES PESSOA MADURO, Wagner, SHAFFER, & BAKARDJIEVA-ENGELBREKT, 2014).

در زمانی که انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، فضای دوقطبی و جنگ سرد بر عرصه بین‌المللی و منطقه خاورمیانه حاکم بود و بیشتر کشورهای این منطقه به یکی از بلوک‌های ایدئولوژیکی شرق یا غرب تعلق داشتند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) اصول و ساختاری را بنا نهاد که در حوزه

سیاست خارجی، ایران را ورای قطب‌های قدرت متداول شرق و غرب قرار داد. این اصول را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱- اصل صدور انقلاب ۲- اصل نفی سلطه ۳- دفاع از تمامیت اسلام و مسلمانان ۴- اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور دیگران ۵- اصل نفی ظلم و دفاع از مظلوم ۶- اصل نه شرقی و نه غربی ۷- کمک و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش (مقاومت) ۸- وحدت امت اسلامی ۹- روابط مبتنی بر اصول اسلامی و انسانی (Salehzadeh, 2013). ستون‌های اصلی سیاست خارجی ایران هم شامل شیعه‌گرایی، ضد غرب‌گرایی، ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و حمایت از رویکرد مقاومت‌محور است. محققان معتقدند که با وجود گذشت دهه‌ها از انقلاب اسلامی، دلیل ماندگاری و اهمیت این اصول، تاکید بر خودکفایی، بومی‌سازی، استثنانگرایی و مقاومت بوده است (Golmohammadi, 2019).

در حوزه سیاست‌گذاری کلان هم، مقاومت نقش محوری داشته است. تدوین سند راهبردی « چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ » توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، گویای همین نکته است. این سند که سیاست‌های کلی نظام در همه ابعاد را، ذیل ابلاغیه از سوی رهبری انقلاب مشخص می‌کند، به سیاست و روابط خارجی نگاه ویژه‌ای دارد. «در بندهای ۴۱ تا ۴۶ مربوط به برنامه چهارم توسعه مندرج در این سند، به امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی اشاره کرده است؛ مواردی مانند گسترش همکاری‌های دو یا چندجانبه، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزکارانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، تلاش برای اصلاح ساختار روابط بین‌الملل» ("مجموعه مصوبات مجمع تشخیص در خصوص سیاست‌های کلی نظام،" (۱۳۸۲) A Set Of Resolutions Of The Recognitions Assembly Regarding The "General Policies Of The system," 2003) این سند منبع مهمی از اهداف کلان نظام است که دستگاه دیپلماسی کشور در پیشبرد سیاست خارجی باید بر اساس چارچوب آن حرکت کند.

در سایر حوزه‌های علمی هم، معنای مقاومت جایگاه خاص خود را



داراست. در قوانین فیزیک، مقاومت به عنوان نیرویی تعریف می‌شود که از آغاز (یا ادامه) یک جریان یا شروع مجدد یا شدت گرفتن فراتر از یک آستانه مشخص، جلوگیری می‌کند (Butler, Mecheril, & Brenningmeyer, 2017). در معنایی دیگر، روت لیج چنین استدلال می‌کند که مقاومت به اقدامی گفته می‌شود که به قصد رقابت، به چالش کشیدن یا حفظ یک موقعیت و شرایط خاصی در ارتباط با روابط اجتماعی، فرایندها و نهادها (موسسات) باشد و به نوعی، شکلی از منازعه است. در برخی دیگر از حوزه‌های مطالعاتی مانند امپریالیسم یا ضداستعماری، مقاومت را مترادف هر عملی خواه فردی یا جمعی، خشن یا قانونی، پنهان یا آشکار که رویه مخالف، انتقادی، همراه با سرخوردگی یا چالشی در برابر نقش استعماری دارد، می‌دانند (Vinthagen, 2007). از سویی دیگر و در حوزه اجتماعی، بخشی از نظریه‌های مقاومت از بررسی‌های چند دهه گذشته نئومارکسیست‌ها، نئوگراامشیست‌ها، پست مدرن‌ها و پسا ساختارگرایان در کشمکش با قدرت پدید آمد. از نظر این مکاتب، تئوری مقاومت تلاش دارد تا مخالفت برخی گروه‌ها را در مقابل نهادهای اجتماعی و حوزه‌ای که ایدئولوژی جریان اصلی حاکم است، توضیح دهد (Abowitz, 2000). آنها علم سیاست را در امر هدایت و تاثیرگذاری دارای اهمیت فراوان می‌دانند و معتقدند که این مهم در کنار منافع و علایق، ممکن است به تغییر ادراک و احساس مردم از تغییر کاری که انجام می‌دهند یا کنترل می‌کنند، بینجامد. پیرو همین موضوع، مقاومت را می‌توان به دو گونه منفعلانه و فعالانه تقسیم کرد؛ در مقاومت منفعلانه که تشخیص آن سخت است و زمان می‌برد تا هدف و علائم کشف شوند، ممکن است بخشی از جامعه از تغییر حمایت کنند اما زمانی که تغییر به مرحله وقوع نزدیک می‌شود، مقاومت هم رنگ واقعیت به خود می‌گیرد. اما در مقاومت فعال، فضا آشکارتر و علنی‌تر است و همین مقابله را آسان‌تر می‌کند (البته عکس این هم وجود دارد. یعنی یک بازیگر می‌تواند از یک مقاومت فعال در یک فضای به رسمیت شناخته شده در جهت اهدافش بهره ببرد) (Lientz & Rea, 2004).

### روش تحقیق

برای حصول نتیجه و پاسخ به سوال‌های مطرح شده در این پژوهش، روش تحقیق

ما به صورت جمع‌آوری داده‌های علمی و ادبیات پژوهش پیشینی و بررسی متون علمی - پژوهشی موجود در قالب کتب و مقالات منتشرشده به صورت چاپی و اینترنتی خواهد بود. مطالعه ادبیات پژوهش پیشینی ابتدا برای شناخت گستره مفهوم اصلی مقاله (یعنی مقاومت) در تحقیقات انجام‌شده، صورت خواهد گرفت و سپس اهمیت آن مورد سنجش قرار می‌گیرد. در امتداد بحث، گردآوری داده‌ها از متون علمی و توصیفی، به ما کمک می‌کند تا متغیرهای مرتبط با موضوع را شناسایی و برای اثبات طرح موضوع (در اینجا، بحث گذار از ضرورت مقاومت به مقاومت فعال) آنها را دسته‌بندی و تحلیل کنیم. حاصل هر دو، در بخش نتیجه‌گیری مقاله به جمع‌بندی نهایی خواهد رسید.

### یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مستحضرید سوالات تحقیق این بود که، چه چالش‌های سیاسی - امنیتی در جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی‌اش باعث می‌شود «مقاومت» ضرورت پیدا کند؟ آیا آن موضوعات چالش‌برانگیز، ظرفیت این را دارند که سیاست «مقاومت فعال» شکل گیرد و توسط نظام دنبال شود؟ در پاسخ باید گفت که، به‌طورکلی تهدیدات علیه ایران به دو دسته تفکیک می‌شوند: ۱- تهدیدات افقی (خارجی) مانند برهم‌خوردن موازنه قوا، بی‌ثباتی پیرامونی، جنگ‌های ترکیبی و ... ۲- تهدیدات عمودی (داخلی) که شامل تروریسم، تحریکات به‌منظور جدایی طلبی قومی، تاثیرات رژیم‌های بین‌المللی مانند FATF و .... می‌شود.

#### ۱. بررسی تهدیدات مرتبط با سیاست خارجی ج.ا.ا:

بری بوزان معتقد است که «بحث و موضوع امنیت در ارتباط با همه کشورها و موجودیت‌های سیاسی، دو سطح را شامل می‌شود؛ سطح داخلی و خارجی. که ممکن است این سطوح مستقل از هم عمل کنند و یا با هم هماهنگ و سازگار باشند» (زندئ، ۱۳۸۷) (Gharayagh Zandi, 2008). «از یک منظر می‌توان تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران را در دو سطح کارگزاری (عمودی) و ساختاری (افقی) دسته‌بندی و بخش کرد. از طرفی و در بُعد داخلی و تهدید به اصطلاح عمودی،

تمامیت ارضی و فیزیکی ایران از جانب تجزیه طلبان تهدید می شود و در سمت دیگر، تعارض رویکردها و ایدئولوژی های مسلط (در گذشته و حال) در نظام بین الملل مانند سکولاریسم، لیبرالیسم یا کمونیسم با رویکرد و ماهیت انقلاب اسلامی، آن را در سطح افقی و خارجی نیز به چالش کشیده است. مضافاً اینکه ایران بر این باور بوده (و هست) که هر دو سطح تهدید افقی و عمودی در ارتباط با قدرت های بیرونی و خارجی هستند» (فیروزآبادی، ۱۳۸۸) (Firoozabadi, 2009).

## ۱-۲. تروریسم:

پدیده تروریسم را می توان از زوایای مختلفی تعریف کرد. هر چند این مساله، متاخر است و در تعاریف آن، اختلافات و ابهامات زیادی به چشم می خورد. از زاویه سیاسی تروریسم عبارت است از «استفاده سازمان یافته از خشونت برای حمله به افراد غیرنظامی یا دارایی های شان، برای اهداف سیاسی.» یا در تعریف دیگری، «تروریسم در کاربرد متداول خود، دلالت بر شرارت دارد و با خشونت بی قاعده و بی رحمی عجین شده است» (Kamal, 2008). در ایران و برپایه شرع مقدس، در برابر اقدامات تروریستی قوانینی در نظر گرفته شده است. «مطابق با سیستم قضایی و کیفری جمهوری اسلامی ایران، اعمال تروریستی مصداق عنوان «محرابه» در نظر گرفته شده است. ... برابر با قانون مجازات اسلامی، محاربه تعریف و مجازات آن پیش بینی شده است. در بند ۱۸۳ آن ذکر شده که: هر کس به قصد رعب و وحشت سلاح اختیار کند و آزادی و امنیت مردم را سلب و مختل کند، دشمن خداست و فساد را گسترش داده است» (Qasemi, 2016).

«ایران با اشکال مختلفی از تروریسم مواجه است که در ظاهر متفاوتند اما درحقیقت با یکدیگر دارای اشتراکاتی هستند و به اصطلاح هم پوشانی دارند. ۱- تروریسم سازمان یافته (یک سازمان سیاسی، اجتماعی یا نظامی، دولتی یا غیردولتی است که بنا به دلایل گوناگون سعی در حذف فیزیکی مخالفان خود دارد. سازمان مجاهدین خلق - منافقین - از مهم ترین سازمان های تروریستی سازمان یافته علیه ایران محسوب می شوند). ۲- تروریسم مرتبط با قاچاق مواد مخدر ۳- تروریسم ملی گرا (شکلی از خشونت که در آن افراد مرتبط با آن گروه در جهت تشکیل یک

دولت مستقل با گرایش‌های قومی و مذهبی مانند حزب دموکرات کردستان، اقدام می‌کنند). ۴- تروریسم بنیادگرا (گروه‌های تکفیری و سلفی) ۵- تروریسم مدرن (بسیاری این شاخه از تروریسم را به‌منظور تخریب هرچه بیشتر فرهنگ انسانی-مادی و غیره می‌دانند) (Qasemi, 2016).

### ۱-۳. تجزیه‌طلبی:

در ایران، عمده قومیت‌ها و اقلیت‌ها در حاشیه کشور و مرزها سکنی دارند؛ مناطقی که می‌تواند محلی برای فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب باشد و در این میان جریان تجزیه‌طلب با به‌کارگیری بخشی از نیروی انسانی کشور و با به‌کارگیری ابزار سخت نظامی (که عمدتاً به‌صورت سلاح قاچاق وارد کشور می‌شوند)، می‌تواند مستقیماً امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید قرار دهد. اکثر گروه‌های تروریستی فعال در ایران، تجزیه‌طلب هستند و با ادعای نمایندگی از طرف مردم خود، مستقل شدن را دنبال می‌کنند. این گروه‌ها غالباً در مرزها و در نزدیکی اقلیت‌های مهم کشور، دست به عملیات می‌زنند. این مناطق، کم‌تر توسعه یافته نسبت به استان‌های مرکزی هستند و البته دولت و بخش خصوصی هم بدین جهت این مناطق را نادیده می‌گیرند. در کنار این گروه‌ها با انگیزه‌های تجزیه‌طلبانه قومی، طیف‌هایی با اهداف چندگانه دیگر هم فعال هستند. در میان مناطق کردنشین (مرز ایران و عراق) گروه‌های بنیادگرا با مشی سلفی‌گری، که با جماعت‌های بزرگ‌تر و فعال‌تر تروریستی مانند القاعده در ارتباط هستند، حضور دارند. در همین مناطق، حزب کارگزاران کردستان (پ ک ک) شناخته‌شده‌ترین گروه چپ‌گرای کرد است که در ایران، ترکیه، عراق و سوریه فعال است. در کنار این، مقامات ایران و ترکیه، شاخه‌ای از پ ک ک به نام حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) را هم فعال می‌دانند که به یک سیستم فدرال معتقد است. در جنوب شرق ایران، فعال‌ترین گروه تروریستی، گروه جندالله است که در مرز ایران (سیستان و بلوچستان)، پاکستان و افغانستان اقدام به عملیات می‌کند (البته بعد از دستگیری فرمانده این فرقه در سال ۸۸، جندالله در قالب گروه جیش‌العدل مجدد سازماندهی شد). این گروه با تاکتیک‌های چریکی و تروریستی، نیروهای

نظامی و جمعیت ساکن در مرز را هدف قرار می‌دهند (برای مثال حادثه تاسوکی). علی‌رغم ادعای این گروه، هیچ مسئله مذهبی را محور قرار نمی‌دهد (در عوض مدعی حمایت از حقوق بلوچ‌هاست) اما با پیروی از اهل سنت، از نمادهای مذهبی بهره می‌برد. این فرقه به علت کاربرد خشونت بالا، در عملکرد با القاعده و داعش مشابهت‌هایی دارد (A. M. Tabatabai, 2018). از دیگر گروه‌های مسلح و تروریستی با پیش‌زمینه قومی و جدایی‌طلبی می‌توان به جنبش‌های عرب‌گرا اشاره کرد. «جنبش یا حزب احیای خوزستان عرب (الاحواز)، یک گروه جدایی‌طلب که دارای شاخه نظامی هم هست و بنا بر اطلاعات منتشرشده توسط ویکی‌لیکس، دفتر آنها در کانادا مستقر است. این گروه روابط خوبی با اهل سنت کویت دارند و برای هدف تشکیل جامعه عربی آزاد، به اقدام مسلحانه روی آوردند. این گروه، حملاتی به خطوط انتقال نفت و گاز در خوزستان و در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ ترتیب دادند که یکی از مهم‌ترین آنها، طرح بمب‌گذاری خط لوله آبادان - ماهشهر در نوامبر ۲۰۱۳ بود که توسط سپاه پاسداران خنثی شد» (office, 2018). مسئله جدایی‌طلبی با شاخه‌های عملیاتی نظامی پیوند خورده است. به عبارت دیگر اغلب این گروه‌ها ابتدا با رویکرد اعتراضی و مخالفت سیاسی پا به این عرصه گذاشتند اما به مرور، تابعین خود را مسلح کردند. با بررسی‌های بیشتر مشخص شد که تجزیه‌طلبی فرقه‌ای، می‌تواند روی دیگر سکه تروریسم باشد و همانند آن اقدام به کارگیری خشونت برای دستیابی به اهدافش کند.

#### ۴-۱. رژیم‌های بین‌المللی:

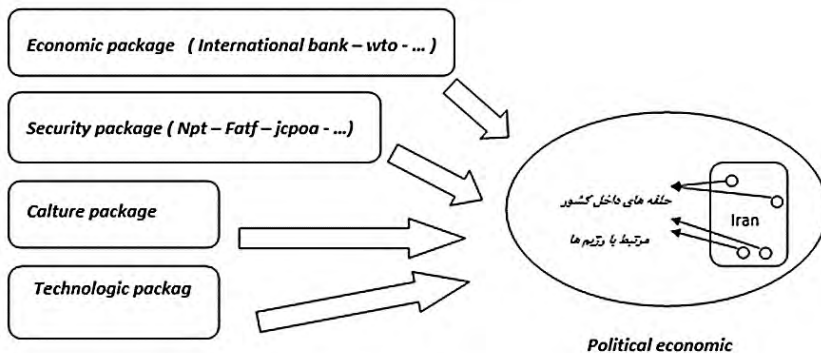
رژیم‌های بین‌المللی با تعاریف مختلفی شناخته می‌شوند. «جان راگی اولین بار مفهوم رژیم‌ها را در سال ۱۹۷۵ مطرح کرد. اما تعریف برجسته‌تر مربوط به کراسنر است که معتقد است؛ مجموعه‌ای از اصول الزام‌آور و صریح، هنجارها، قوانین و روش‌های تصمیم‌گیری پیرامون همگراشدن انتظارات بازیگران در یک منطقه خاص را رژیم بین‌المللی می‌نامند. تئوری رژیم بین‌المللی متکی بر تحلیل سیستمی است و به دنبال تعریف رژیم، نه به عنوان ساختار سیستم یا نه به عنوان ذیل سازمان‌های بین‌المللی است. این رویکرد توسط نواقع‌گرایی توسعه داده شده

است. تحلیلگران رژیم به دنبال پاسخ به این سوال اند که چرا دولت‌ها و منافع‌شان تمایل به همکاری و تشریک مساعی به‌جای ناسازگاری و تنش در سیستم آنارشیک دولت‌محور دارند و برای دستیابی به این هدف، چارچوب‌های نسبتاً دائمی را برای کنترل اختلافات تعریف و میزان مشخصی از همکاری را مشخص می‌کنند» (Yoshimatsu, 1991). رژیم‌ها ضمن پذیرش محیط آنارشی بین‌المللی و نقش دولت‌ها به‌عنوان بازیگران سرنوشت‌ساز، در واقع نگرشی هستند که تلاش دارد فضای همکاری و قرابت منافع را ذیل یک چارچوب مدون و الزام‌آور به پیش ببرد. پوچالا و هاپکینز استدلال می‌کنند که رژیم‌ها در هر موضوع اساسی و بنیادی در روابط بین‌الملل وجود دارند ... هرکجا ترتیب و قاعده‌مندی در رفتار موجود باشد، باید برخی از اصول، هنجار یا قوانینی برای بیان علت این (قاعده یا نظم) وجود داشته باشد (Haggard & Simmons, 1987). «رژیم‌ها مجموعه‌ای از اصول، قواعد، رویه تصمیم‌گیری که به موجب آن دغدغه‌ها و خواست و اهداف بازیگران در یک مساله و چالش خاص، تلاقی پیدا می‌کند، تعریف می‌شوند. کلیه معاهدات، کنوانسیون‌ها، عهدنامه‌ها و غیره، حکم یک رژیم را دارند. مطابق با تقسیم‌بندی ذیل؛ ۱- هر رژیم اصولی دارد که در رابطه با اهدافی مطرح می‌شود و شکل می‌گیرد. در همین مقطع هدف هر رژیم بین‌المللی، مهم‌ترین بخش آن را شامل می‌شود. اصول و اهداف در مقدمه هر رژیم به چشم می‌خورند. ۲- نرْم‌ها (هنجارها) که رفتارها را تعیین می‌کنند و نوعی الزام را همراه خود دارند. ۳- نقش‌ها که به قالب مفاد (ماده‌ها) مطرح می‌شوند. (به اصطلاح شبیه ماشین دوخت و لولا عمل می‌کنند). ۴- تصمیم‌گیری براساس مکانیزم‌ها و سازوکارهای نظارت؛ بازرسی و شفافیت انجام می‌شود. (اصل شفافیت و محرمانه بودن در رژیم‌ها بسیار مهم هستند. ایران همواره خواستار محرمانه بودن است اما طرف‌های غربی خواستار شفافیت (قرارگرفتن اطلاعات در دسترس اعضا) هستند» (عسگرخانی، ۱۳۸۱) (Asgarkhani, 2002).



شکل ۱. چارچوب رژیم‌های بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین اهداف اعمال رژیم‌ها، مقوله «حکمرانی جهانی» است. «حکمرانی جهانی خواستار تغییر موقعیت قدرت درزمینه تلفیق و چندپارگی است. روزنا، این روند را به‌عنوان یک گرایش فراگیر توصیف می‌کند، که در آن تغییرات عمده در موقعیت و وضعیت اقتدار و قدرت و مکان مکانیزم‌های کنترل در همه قاره‌ها صورت می‌گیرد. تغییراتی که در اقتصاد و سیستم اجتماعی به وقوع پیوسته به همان اندازه در سیستم سیاسی، آشکارند. روزنا حاکمیت جهانی را به‌عنوان «سیستم حکومت در تمامی سطوح» تعریف می‌کند- از خانواده تا سازمان بین‌المللی- که به‌واسطه آن اهدافی که از طریق اعمال کنترل تعقیب می‌شوند نتایج فراملی در پی دارد» (Weiss, 2000). یا کاکس حاکمیت جهانی را این‌گونه توصیف می‌کند که « روندها و رویه‌هایی که در سطح جهانی (یا منطقه‌ای) برای مدیریت امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارند» (Thérien & Pouliot, 2017).



شکل ۲. حکمرانی جهانی

۱-۴-۱. مطالعه موردی: تهدید رژیم بین‌المللی FATF

مطابق با گزارش مجمع عمومی نهاد FATF در ۲۱ تا ۲۳ فوریه ۲۰۱۸، طی نشست که اعضای FATF در پاریس و در رابطه با موضوعات مختلف از جمله ایران برگزار کردند، نظارت بر اقدامات ایران برای رسیدگی به نقص در موضوع AML/CFT<sup>۱</sup> در این نشست بحث شد. در ژوئن ۲۰۱۶ نهاد FATF از اراده سیاسی ایران (به‌طور خاص، دولت) برای رفع نواقص در حوزه مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم و تصمیم برای یافتن کمک‌های فنی در اجرای طرح ذکرشده، استقبال کرد. با توجه به اینکه ایران گام‌های مرتبط را برداشته است (مانند ACTION PLAN - برنامه اقدام و اصلاح قوانین داخلی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم FATF) در نوامبر ۲۰۱۷ تصمیم به تعلیق تدابیر خود علیه ایران گرفت. در همان ماه، ایران یک رژیم اظهار مالی و پیش‌نویس اصلاح قوانین AML/CFT را ارائه داد. با این وجود در برنامه اقدام عملی ایران گزینه‌های انجام نشده زیادی باقی مانده است. اقداماتی که ایران به‌طور کامل باید انجام دهد؛ شامل: «۱- تعیین مجازات کافی برای تامین مالی تروریسم (براساس تعریف مدنظر نهاد FATF)، از جمله حذف معافیت گروه‌های مشخص، که در صدد پایان دادن به

1. anti-money laundering / Combating the Financing of Terrorism



اشغال توسط (دول) خارجی هستند (همان گروه‌های مقاومت مرتبط با ایران) و همچنین حذف سیاست‌های استعماری و نژادپرستانه (از نگاه FATF) ۲-شناسایی و مسدودکردن دارایی‌های تروریست‌ها در راستای قطعنامه‌های شورای امنیت ۳- حصول اطمینان از اجرای رژیم مراقبت و نظارت یا CDD<sup>۱</sup> (درارتباط با افراد) ۴- تضمین استقلال واحد اطلاعات مالی و نیاز به ارسال suspicious transaction report- STRs (گزارش تراکنش‌های مشکوک) تراکنش‌های مالی ۵- شرح‌دادن نحوه شناسایی و ضمانت اجرایی برای آن در ارتباط با ارائه‌دهندگان خدمات مالی غیرمجاز ۶- تصویب کنوانسیون پالمو و تامین مالی تروریسم و توضیح‌دادن پیرامون توانایی ارائه کمک حقوقی دوجانبه ۷- تضمین اینکه موسسات مالی اطلاعات موسس و ذی‌نفعان را به‌صورت انتقال الکترونیکی تایید کنند ۸- تعیین دامنه وسیع‌تر برای مجازات متخلفان مربوط به جرایم تامین تروریستی و ۹- حصول اطمینان و تضمین از قوانین و رویه‌های مناسب برای مصادره اموال و ارزش مربوطه» (FATF/OECD, 2019).

با بررسی هرچه بیشتر موضوع الزامات FATF و انطباق تئوریک آن با مبحث «رژیم‌های بین‌المللی» متوجه این موضوع می‌شویم که کسب اطلاعات مالی، سیاسی و نهادی و ارزیابی آن توسط مجموعه‌های مستقل و وابسته برای پیشبرد اهداف نهاد FATF ضروری است و در اولویت قرار دارد. باتوجه به شرایط حساس کشور و اعمال تحریم‌های گسترده، خروج این اطلاعات (برای مثال مانند CDD و نظارت مستمر) استفاده دو یا چندگانه خواهد داشت و مضافاً اینکه در بحث رژیم‌ها، غربی‌ها شفافیت اطلاعات را مدنظر دارند (دردسترس اعضا قرارگرفتن) درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران خواستار محرمانه‌بودن آنهاست. البته پذیرش رژیم‌های مشابه مانند CTBT (پیمان منع جامع آزمایش تسلیحات هسته‌ای) و NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) در سال‌های گذشته در کشور مسبوق به سابقه است و با پذیرش آنها، شاهد تغییر رفتار از طرف غربی‌ها در برخورد با ایران نبودیم و با مطرح کردن ادعاهای خود در سال‌های بعد، پرونده

هسته‌ای ایران را به جریان انداختند. در اسناد مربوط به FATF به ۱۸۰ حوزه قضایی اشاره شده است که به این نهاد پیوستند یا همکاری دارند و تعهد در این نهاد، در سطح وزرا مطرح شده است. این میزان از انباشت حقوقی و سیاسی، نشان از توانایی این نهاد برای تنظیم مقررات و استانداردهایی علیه پولشویی و تامین مالی تروریسم با تعریفی واحد در حوزه بین‌الملل دارد.

مطابق با نظریه رژیم‌ها، بعد از پذیرش و تصویب کشورها، مطابق با اسناد موجود، کسب و انتقال اطلاعات برای ارزیابی و نظارت و انطباق اقدامات صورت‌گرفته با استاندارد این نهاد، هدف FATF است. پذیرش این رژیم توسط ایران در واقع تکه‌ای از پازل کنترل را که آن هم در قالب رژیم نظارت انجام می‌شود، کامل می‌کند. OFAC (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا) در سال ۲۰۱۷ و در بازنگری تحریم‌ها، نیاز به اطلاعات گسترده برای شناسایی و مسدودسازی اموال اشخاص یا نهادهایی را دارد که از نگاه آمریکا حامی تروریست هستند (این تعریف مورد پذیرش FATF هم هست) این اطلاعات توسط نهاد FATF مانیتورینگ می‌شود و طبق اسناد برای روند تصمیم‌گیری در اختیار اعضا قرار می‌گیرد.

#### ۱-۵. تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای:

برای درک بهتر این مبحث، یکی از چارچوب‌های تئوریک که می‌توان از نگاه نواقع‌گرایی، اوضاع خاورمیانه را تحلیل کرد، موازنه قواست؛ موازنه‌ای که سال‌هاست به دلیل حضور و اشراف قدرت‌های جهانی تغییر کرده است. «مفهومی که درباره مسائل رئال‌پلیتیک، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، امنیت، جنگ و ترور بحث می‌کند. منطقه خاورمیانه در حافظه تاریخی خود بحران‌هایی در ارتباط با این مفاهیم تجربه کرده است. نواقع‌گرایی پیش‌بینی می‌کند که کشورها اولویت را به حفظ موازنه قدرت می‌دهند و بر توازن قدرتی متمرکز است که از دل کشمکش میان دولت‌ها پدید می‌آید و استدلال دارد که ثبات در سیستم بین‌المللی از این طریق به وجود می‌آید. از طرف دیگر رئالیسم تدافعی معتقد است که تعدیل و موازنه زمانی شکل می‌گیرد که یک کشور به میزان زیادی قدرت خود را بالا ببرد»

(Ekşi, 2017). در یک فرض واقع‌گرایانه از سیستم بین‌المللی، آنارشی حکمفرماست و نگرانی اصلی یک دولت، منافع امنیتی‌اش است. به معنای دیگر در سیستمی که اصل آنارشی، نظم را قوام می‌دهد، نگرانی ابتدایی و اولویت یک دولت، تقدم منافع امنیتی است.

تمرکز ایالات متحده در خاورمیانه فقط در قالب اعزام و گسیل سربازان و تجهیزات به این منطقه یا گسترش و استقرار در پایگاه‌های هوایی و دریایی نیست. حضور آنان بیشتر در جهت کمک و تقویت برنامه‌ها و همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی، در قالب فروش گسترده تسلیحات، آموزش و مشاوره و پشتیبانی و لجستیک و کمک‌های اطلاعاتی اساسی بوده است. روابط متقابل میان پنتاگون و کشورهای خاورمیانه، به آمریکا اطمینان دسترسی به منطقه برای طیف وسیعی از عملیات‌ها و اقدامات را می‌دهد. درعوض آمریکا پشتیبانی‌های سیاسی و نظامی را برای شرکای خود در زمینه الزامات امنیتی و سیاسی فراهم می‌کند (Zenko, 2018). این اقدامات، منافع طولانی‌مدت آمریکا در این محدوده جغرافیایی را اثبات و تضمین می‌کند.

تمام این حساسیت‌ها ناشی از این است که خاورمیانه برای آمریکا اهمیت بالایی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دارد. «از نگاه استراتژیک و برای ایالات متحده، خاورمیانه کلید امنیت و کنترل جهان است؛ ویژگی‌هایی از جانب استراتژیست‌های نومحافظه‌کار آمریکایی در ارتباط با این منطقه مطرح می‌شود مانند: ۱- تغییر هویت قدرت در جهان، می‌توان تسلط بازیگران رقیب آمریکا در خاورمیانه را به دلیل محوربودن اقتصاد در سیاست بین‌الملل، کنترل کرد. ۲- خاورمیانه مرکز اسلام سیاسی و تهدیدهای نامتقارن برای آمریکاست. در صورت رشد اسلام‌گرایی و عدم کنترل خاورمیانه توسط آمریکا، سه پیامد و عواقب مهم از جمله سقوط متحدین آمریکا در این منطقه، در معرض خطر قرار گرفتن اسرائیل و خاتمه دوران آمریکایی در خاورمیانه، ایالات متحده را تهدید می‌کند. ۳- از منظر دولتمردان آمریکایی، نفت خاورمیانه تامین‌کننده انرژی کل دنیاست. براساس یک تحقیق، وابستگی آمریکا به نفت در سی سال گذشته برابر با ۴ تا ۱۵ تریلیون دلار

بوده است. بنابراین و باتوجه به ضرورت‌های بالا، آمریکا سه استراتژی را همزمان در قبال خاورمیانه دنبال می‌کند: ۱- اهداف ژئوپلیتیکی، به این معنا که با تسلط جغرافیایی آمریکا بر این منطقه، رهبری نظم جهانی را تسهیل و ممکن می‌کند. ۲- اهداف اقتصادی، دسترسی و کنترل منحصر به فرد آمریکا به انرژی خاورمیانه ۳- محقق شدن امکان حکمرانی جهانی برای آمریکا» (Jalalpoor & Sharfi, 2016).

#### ۱-۶. عدم یا حداقل ثبات در محیط پیرامونی:

محیط خاورمیانه، به دلایل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، سوق‌الجیشی است. به معنای دیگر هم سازه فیزیکی و نقاط مهم سرزمینی و جغرافیایی آن بر سیاست و اهداف تاثیر می‌گذارد و هم باعث و بانی تدوین استراتژی‌های نظامی و امنیتی می‌شود که فضا و محیط آن را به طرف تنش و چالش سوق می‌دهد. از لحاظ تئوریک تلاش‌هایی برای تبیین این موضوع شده است. یکی از این تئوری‌ها که اهمیت ثبات در خاورمیانه و عواقب ناامنی در آن را می‌تواند به خوبی برجسته کند، نظریه «شاتربلتز»<sup>۱</sup> است. «شاتربلتز، گستره‌ای از جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و بخشی از آفریقا را شامل می‌شود. سائول کوهن با نامیدن این ناحیه به منطقه بزرگ استراتژیک، در این باره معتقد است که در این ناحیه هم درگیری و ستیز میان کشورهای موجود، وجود دارد و هم منافع متضاد قدرت‌های بزرگ در آن، در جریان است» (Korybko, 2015). اینجا باید دو ویژگی چالشی برای خاورمیانه قائل شد: ۱- تنش و نزاع میان کشورهای محلی ۲- وجود منافع غیر هم‌جهت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، که به بحران‌ها ضریب و شدت می‌بخشد. «اختلافات و تفاوت‌های سیاسی، فیزیکی، محیطی، تاریخی، فرهنگی و ناهم‌واری جمعیتی در بین کشورهای شاتربلتز، احتمال چندپارگی و چنددستگی را افزایش می‌دهد و همچنین امید و شانس به اینکه میان آنها همکاری سیاسی و اقتصادی شکل بگیرد را کاهش می‌دهد. کوهن همچنین اهمیت استراتژیک شاتربلتز را در ثروت‌های طبیعی و کنترل خطوط حمل و نقل من جمله مسیرهای دریایی، می‌داند و این

زمینه توجه و حضور قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند. خاورمیانه به‌عنوان ناحیه شاتربلتز، را می‌توان با ساختار عمیق داخلی میان حاکمیت و جامعه توصیف کرد» (Zulfqar, 2018).

ساختار سیاسی - اجتماعی برخی دولت‌ها در منطقه متزلزل است و می‌تواند به بی‌ثباتی دامن بزند. از نگاه تاریخی، ساخت دولت در این منطقه به عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی وابسته بوده است. «امپریالیسم به‌صورت تاریخی و مستقیم در امر ساخت سیاسی این منطقه نقش داشته است (یکی از عواقب این نقش، شکافی است که در منشأ و خاستگاه کشورهای منطقه ایجاد کرده است و برخی از آنها را دچار کمبود مشروعیت کرده است). امپریالیسم با ترسیم مرزهای پرابهام (هویتی) و استقرار نخبگان وابسته پس از یک دوره طولانی از استعمار، ساختاری از کشورهای جدیدالتاسیس و نخبگان مرتبط با خود را پدید آورد که در زمینه‌هایی مانند منابع و حفاظت خارجی، وابستگی این دولت‌های نوظهور را به خود ادامه و به شکلی جدید تداوم بخشید. سپس دو نیروی پان‌عرب‌یسم و بنیادگرایی رادیکال، دولت‌هایی را که پتانسیل عصیان برای تجاوز و کنترل داشتند، تحریک کردند. متعاقب آن، جنگ به‌منظور مشروعیت‌بخشی و پیشرفت دولت‌ها، برافروخته شد و باعث شتاب در جریان انتقال نفتی شد که منابع نظامی‌سازی را فراهم می‌کرد و در انتها معمای امنیت منطقه‌ای شکل گرفت و تشدید شد. اخیراً هم فرایند جهانی‌سازی، کشورهای منطقه را از ایجاد یک حائل برای مقابله با دخالت خارجی، تهدید می‌کند» (Hinnebusch, 2003). متغیر خارجی یا تاثیرگذاری بیرونی هم از عناصر پرشدت و قدرتمند در ایجاد یا تغییر رفتاری و ساختاری در خاورمیانه است. همان‌طور که در دوران جنگ سرد و ساختار دوقطبی، نگاه قدرت‌های جهانی در خاورمیانه، نگاه کلان‌امنیتی - سیاسی بود (مانند دکترین آیزنهاور و کمک نظامی آمریکا به کشورهای خاورمیانه) و تلاش می‌شد با بلوک‌بندی و ایجاد پیمان‌های نظامی یا سرکار آوردن حکومت‌های پیرو ایدئولوژی یکی از قدرت‌های مسلط جهانی، عرصه بر حریف تنگ شود و از دسترسی آن به منابع که می‌توانست نقش اصلی را به آن قدرت منتقل و تفویض کند، جلوگیری

به عمل بیاید. «استراتژی ایالات متحده در محیط امنیتی خاورمیانه، ریشه در تجربیات جنگ سرد دارد؛ تجربیاتی مانند ترتیبات دفاع جمعی با پشتیبانی امنیتی و روابط نظامی قوی با کشورهای میزبان آمریکا در منطقه. برای تقلیل تهدیدات منطقه‌ای، آمریکا اقدام به تحت‌کنترل گرفتن پیوندهای درون‌دولتی، میان‌دولتی و جهانی می‌کند. در ادامه، آمریکا تهدیدات را به چند دسته از جمله بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی، اختلال در جریان انرژی، تکثیر سلاح و تروریسم بین‌المللی تقسیم کرد (Russell, 2007).» «با این حال تهدیدهای جدیدی ظهور کرده است که سابقاً در ارتباط با منافع سنتی آمریکا پیش‌بینی نشده بود. ظهور داعش از این قبیل است...» (Mueller, Wasser, Martini, & Watts, 2017).

#### ۱-۷. جنگ‌های ترکیبی:

«جنگ‌های ترکیبی» مفهومی به نسبت نوین و متغیری وابسته محسوب می‌شود. این نوع از جنگ، پیچیدگی و تنوع خاصی از ابزارها را دنبال می‌کند و علیه قدرت‌ها و بازیگرانی به کار گرفته می‌شود که به شیوه متعارف نظامی، غلبه بر آنها پرهزینه یا غیرممکن است. جنگ‌های ترکیبی را «جنگ‌های نسل چهارم» و «جنگ‌های غیرمستقیم» هم می‌دانند. در ۱۹۸۹ ویلیام لیند طی مقاله‌ای که در نشریه سپاه تفنگداران آمریکا منتشر شد، پیش‌بینی جنگ‌های نسل بعد، یعنی نسل چهارم را داشت. او ویژگی این نسل از جنگ‌ها را در سیال بودن، غیرمتمرکز و نامتقارن‌تر از نسل‌های قبل برشمرد. ... جنگ‌های نسل چهارم به‌طور عمده غیرمستقیم هستند. مفهوم رویکرد غیرمستقیم، پیش از ظهور جنگ‌های نسل چهارم، توسط بی‌اچ لیدل هارت در ۱۹۵۴ شکل گرفت. در استراتژی غیرمستقیم، از طریق روش‌های غیرمنتظره به اهداف نزدیک می‌شوند. او می‌نویسد که «در این استراتژی؛ طولانی‌ترین مسیر، مناسب‌تر و کوتاه‌ترین راه به خانه است، واضح است که یک رویکرد مستقیم به یک هدف ذهنی یا فیزیکی؛ در امتداد خط انتظار طبیعی برای حریف بوده و معمولاً نتایج منفی به بار می‌آورد. آشفتگی و عدم

توازن فیزیکی و روانی دشمن؛ مقدمه حیاتی برای تلاش موثر برای سرنگونی دشمن است. این آشفته‌گی از یک رویکرد غیرمستقیم استراتژیک عمدی یا تصادفی ایجاد می‌شود» (Korybko, 2015). جنگ‌ها در گذشته متمرکز بر افزارمحوری و کمیت بودند. اما برخلاف آن، جنگ‌های ترکیبی صفاتی مانند ماهیت پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر، شبکه‌محور و بینش غیرخطی را با خود به همراه دارند. «جنگ‌های ترکیبی به‌منظور بهره‌برداری کردن از آسیب‌پذیری‌ها، در سطح ملی مانند سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و زیرساختی طراحی و در نظر گرفته شده است. ... حالت غیرخطی بودن اشاره به اثرات حملات جنگ‌های ترکیبی دارد که علت خطی ندارد. ... تاثیرات اثرگذاری غیرخطی همیشه توسط مدافع یا مهاجم قابل پیش‌بینی نیست» (Cullen & Reichborn-Kjennerud, 2017).

جنگ‌های ترکیبی بر دو ستون استوار است: ۱- انقلاب رنگی ۲- جنگ‌های نامتعارف. این دو موضوع محور جنگ‌های ترکیبی را در یک روند غیرمستقیم، به‌منظور اخلال در توانایی تصمیم‌گیری بازیگر هدف به جلو می‌برند. به عبارت دیگر با به‌کارگیری راهبرد جنگ‌های ترکیبی، به هرج و مرج کشاندن رقیب یا حریف، هدف کوتاه‌مدت است، به طوری که استیصال ساختاری، مانع از درک و تحرک مناسب کشور هدف شود تا در نهایت به استحاله، یعنی هدف بلندمدت و نهایی برسد (Korybko, 2015).

### نتیجه‌گیری

در ابتدای پژوهش و با نگاه اجمالی بر مفهوم مقاومت، بر موسع بودن تعاریف آن در حوزه‌های مختلف علمی واقف شدیم. در ادامه با مطالعه اصول جهان‌بینی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اهمیت والای مقاومت در اندیشه انقلاب اسلامی محرز شد؛ چرا که هم پدیده انقلاب اسلامی در نتیجه مقاومت در برابر اندیشه و سیاست غیر و ساخت سیاسی وابسته بود و هم تداوم و بقای آن در سال‌های پس از انقلاب با تکیه بر مقاومت ممکن شد. این نشان می‌دهد که در تفکر انقلاب اسلامی، اصالت با مقاومت است. هرچند در سال‌های بعد از انقلاب و با روی کار آمدن گفتمان‌های متضاد در قالب رویکرد دولت‌ها در سیاست

خارجی، این مهم (مقاومت) در سطح تاکتیکی تغییر کرد و به صورت کوتاه مدت، تنش زدایی در اولویت قرار گرفت، اما همان طور که گفته شد، نظام ج.ا.ا ماهیتاً مقصود کلان و استراتژی خود را چه در پندار ارزشی و چه در سیاست گذاری ها، مقاومت تعیین کرده است.

تداوم مقاومت، در گروهی اثبات تداوم «تهدید» علیه موجودیت ج.ا.ا است. پر واضح است که کشور ما در یک محیط امنیتی قرار گرفته و تهدیدات و ویژگی پویایی دارند. در بخش دوم مقاله، مهم ترین تهدیدات داخلی و خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفت تا این مهم محقق شود. این تهدیدات شامل تهدیدات سنتی مانند تروریسم، حضور نظامی نامتوازن کننده قدرت های بین المللی و گسست ژئوپلیتیکی و تهدیدات مدرن شامل رژیم های بین المللی (گونه بدخیم آن) و جنگ های ترکیبی (انقلاب رنگی و جنگ های نامتعارف) است. پس به صورت خلاصه باید گفت که پویایی و تداوم تهدیدات، ارتباط مستقیمی با اتخاذ رویکرد «مقاومت فعال» دارد.





## منابع و مأخذ

- امین فرد. (۱۳۹۸). پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز دوران جدیدی برای فقه شیعه. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳(۷۸)، ۱۶۱-۱۷۸.
- زند، غ. (۱۳۸۷). محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران. تهران. پژوهشکده مطالعات راهبردی .
- سیدحسین زاده یزدی، سعید & شریف زاده، محمدجواد. (۱۳۹۵). سیره پیامبراکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی، اقتصاد اسلامی، ۶۲(۱۶)، ۵-۳۲ .
- طباطبائی، ع. (۱۳۶۰). شیعه در اسلام. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عسگرخانی، ا. (۱۳۸۱). نظریه رژیم‌های بین‌المللی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۵۷(۳).
- فیروزآبادی، ج. د. (۱۳۸۸). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. روابط خارجی، ۱(۱).
- مجموعه مصوبات مجمع تشخیص در خصوص سیاست‌های کلی نظام. (۱۳۸۲). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مطهری، م. سیری در سیره ائمه اطهار.
- نوری ع & مرشدیزاد، ع. (۱۳۹۷). چالش‌های سیاسی خارجی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (علمی-پژوهشی)، ۸(۲۶)، ۲۴۵-۲۶۶.
- ورعی، س. ج. (۱۳۸۹). مبانی فقهی جهاد ابتدایی. ۱۲(۱)، ۲ .
- هشجین، ز & علیزاده، ق. (۱۳۹۰). مولفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره). مطالعات بیداری اسلامی(۱۳).
- Abowitz, K. K. (2000). A pragmatist revisioning of resistance theory. *American educational research journal*, 37(4), 877-907.
- Ackerman, P., & Rodal, B. (2008). The strategic dimensions of civil resistance. *Survival*, 50(3), 111-126.
- Badshahi, S. N., & Bukhari, A. G. (2013). Interpretation of the Prophetic way of Preaching. *Interpretation of the Prophetic way of Preaching*

- Butler, M., Mecheril, P., & Brenningmeyer, L. (2017). Introduction. Coming to Terms—On the Aim and Scope of this Volume *Resistance* (pp. 7-16): transcript-Verlag.
- Cullen, P. J., & Reichborn-Kjennerud, E. (2017). MCDC countering hybrid warfare project: Understanding hybrid warfare. *A Multinational Capability Development Campaign project, London*.
- Ekşi, M. (2017). Regional Hegemony Quests in the Middle East from the Balance of Power System to the Balance of Proxy Wars: Turkey as Balancing Power for the Iran-Saudi Rivalry. *Gazi Akademik Bakış, 11*(21), 133-156.
- FATF/OECD. (2019). INTERNATIONAL STANDARDS ON COMBATING MONEY LAUNDERING AND THE FINANCING OF TERRORISM & PROLIFERATION (THE FATF RECOMMENDATIONS). 7.
- Golmohammadi, V. (2019). The foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Prospects for change and continuity. *All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace, 8*(1), 93-102.
- Gordon, T., & Webber, J. R. (2008). Imperialism and resistance: Canadian mining companies in Latin America. *Third World Quarterly, 29*(1), 63-87.
- Haggard, S., & Simmons, B. A. (1987). Theories of international regimes. *International organization, 41*(3), 491-517.
- Hinnebusch, R. (2003). *The international politics of the Middle East*: Manchester University Press.
- Jalalpoor, S., & Sharfi, H. (2016). The Role of Iran and America's Middle East Policy in Peace Process of Middle East 2001-2016. *Journal of History Culture and Art Research, 5*(4), 113-130.
- Kamal, M. (2008). The meaning of terrorism: a philosophical inquiry. *NCEIS Res Pap, 1*, 1-1.
- KOMEsAR, N., POIARES PESSOA MADURO, L. M., Wagner, W., SHAFFER, G. C., & BAKARDJIEVA-ENGELBREKT, A. (2014). *Understanding global governance: Institutional choice and the dynamics of participation*: European University Institute.
- Korybko, A. (2015). Hybrid wars: The indirect adaptive approach to regime change. *The People's Friendship University of Russia*.
- Lientz, B. P., & Rea, K. P. (2004). Breakthrough IT change management: How to get enduring change results: Routledge.

- Maiguashca, B. (2003). Governance and resistance in world politics. *Review of International Studies*, 28, 4-5.
- Motahhari. Look At The Biography Of The Imams. *Tehran: Sadra*. [In Persian]
- Mueller, K. P., Wasser, B., Martini, J., & Watts, S. (2017). *US Strategic Interest in the Middle East and Implications for the Army*. Retrieved from
- Müller, P. S. (2005). Politicians of Global Governance. *CONfines de relaciones internacionales y ciencia política*, 1(1), 51-66.
- office, H. (2018). Country Policy and Information Note Iran: Ahwazis and Ahwazi political groups. *I.O*, 25-26.
- Qasemi, H. R. (2016). Iran and its policy against terrorism *Eradicating Terrorism from the Middle East* (pp. 201-221): Springer.
- Russell, J. A. (2007). Regional threats and security strategy: the troubling case of today's Middle East; Strategic Insights, v. 6, issue 6 (November 2007). *Strategic Insights*, v. 6, issue 6 (November 2007).
- Salehzadeh, A. (2013). Iran's domestic and foreign policies. *Series 4: Working Papers, No 49*.
- Stephen, M. (2011). Globalisation and resistance: struggles over common sense in the global political economy. *Review of International Studies*, 37(1), 209-228.
- Tabatabai, A. M. (2018). Other side of the Iranian coin: Iran's counterterrorism apparatus. *Journal of Strategic Studies*, 41(1-2), 181-207.
- Thérien, J.-P., & Pouliot, V. (2017). Global Governance in Practice. *Global Policy*, 9(2), 2.
- Vinthagen, S. (2007). Understanding "resistance": Exploring definitions, perspectives, forms and implications. *E-journal. School of Global Studies. Gothenburg University*.
- Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third World Quarterly*, 21(5), 795-814.
- Yoshimatsu, H. (1991). International Regimes, International Society, and Theoretical Relations. *International Studies*, 17, 42.
- Zenko, M. (2018). US Military policy in the Middle East. *London, UK: Chatham House Research Paper*.
- Zulfqar, S. (2018). Competing interests of major powers in the Middle East: The case study of Syria and its implications for regional stability. *PERCEPTIONS: Journal of International Affairs*, 23(1), 121-147.

## References

- Abowitz, K. K. (2000). A pragmatist revisioning of resistance theory. *American educational research journal*, 37(4), 877-907 .
- Ackerman, P., & Rodal, B. (2008). The strategic dimensions of civil resistance. *Survival*, 50(3), 111-126 .
- Amin Fard, M. (2019). The Victory Of The Islamic Revolution Of Iran, The Beginning Of A New Era For Shiia Jurisprudence. *Journal Of Epistemological Studies At Islamic University*, 23(1), 5. (In Persian)
- Asgarkhani, A. (2002). Theory Of International Regimes. *Journal Of The Faculty Of Law And Political Science*, 57(3). (In Persian)
- Badshahi, S. N., & Bukhari, A. G. (2013). Interpretation of the Prophetic way of Preaching. *Interpretation of the Prophetic way of Preaching*
- Butler, M., Mecheril, P., & Brenningmeyer, L. (2017). Introduction. *Coming to Terms—On the Aim and Scope of this Volume Resistance* (pp. 7-16): transcript-Verlag.
- Cullen, P. J., & Reichborn-Kjennerud, E. (2017). *MCDC countering hybrid warfare project: Understanding hybrid warfare. A Multinational Capability Development Campaign project*, London .
- Ekşi, M. (2017). Regional Hegemony Quests in the Middle East from the Balance of Power System to the Balance of Proxy Wars: Turkey as Balancing Power for the Iran-Saudi Rivalry. *Gazi Akademik Bakış*, 11(21), 133-156 .
- FATF/OECD. (2019). *INTERNATIONAL STANDARDS ON COMBATING MONEY LAUNDERING AND THE FINANCING OF TERRORISM & PROLIFERATION (THE FATF RECOMMENDATIONS)*. 7 .
- Firoozabadi, S. J. D. (2009). Ontological Security In The Foreign PolicyOf The Islamic Republic Of Iran. *International Journal Of Foreign Relation*, 1(1), 18. (In Persian)
- Gharayagh Zandi, D. (2008). *Security Enviroment Around The Islamic Republic Of Iran*. Tehran: Research Institute For Strategic Studies. [In Persian]
- Golmohammadi, V. (2019). The foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Prospects for change and continuity. *All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace*, 8(1), 93-102 .
- Gordon, T., & Webber, J. R. (2008). *Imperialism and resistance: Canadian mining*

- companies in Latin America. *Third World Quarterly*, 29(1), 63-87 .
- Haggard, S., & Simmons, B. A. (1987). Theories of international regimes. *International organization*, 41(3), 491-517 .
- Hashjin, Z., & Alizadeh, G. (2011). Basic Components Of Islamic Awakening In The Political Thought Of Imam Khomeini. *Biquaterly Journal Of Islamic Awakening Studies*, 1(1), 13. [In Persian]
- Hinnebusch, R. (2003). *The international politics of the Middle East: Manchester University Press.*
- Jalalpoor, S., & Sharfi, H. (2016). The Role of Iran and America's Middle East Policy in Peace Process of Middle East 2001-2016. *Journal of History Culture and Art Research*, 5(4), 113-130 .
- Kamal, M. (2008). The meaning of terrorism: a philosophical inquiry. *NCEIS Res Pap*, 1, 1-1 .
- KOMESAR, N., POIARES PESSOA MADURO, L. M., Wagner, W., SHAFFER, G. C., & BAKARDJIEVA-ENGELBREKT, A. (2014). *Understanding global governance: Institutional choice and the dynamics of participation: European University Institute.*
- Korybko, A. (2015). *Hybrid wars: The indirect adaptive approach to regime change. The People's Friendship University of Russia .*
- Lientz, B. P., & Rea, K. P. (2004). *Breakthrough IT change management: How to get enduring change results: Routledge.*
- Maiguashca, B. (2003). Governance and resistance in world politics. *Review of International Studies*, 28, 4-5 .
- Motahhari. *Look At The Biography Of The Imams. Tehran: Sadra. [In Persian]*
- Mueller, K. P., Wasser, B., Martini, J., & Watts, S. (2017). *US Strategic Interest in the Middle East and Implications for the Army. Retrieved from*
- Müller, P. S. (2005). Politicians of Global Governance. *CONfines de relaciones internacionales y ciencia política*, 1(1), 51-66 .
- Nouri, A., & Morshedizad, A. (2018). Foreign Political Challenges Facing The Islamic Revolution In Imam Khomeinis Thought. *Journal Of The Islamic Revolution. Quarterly Journal Of Science And Research*, 8(26), 1. (In Persian)
- office, H. (2018). *Country Policy and Information Note Iran: Ahwazis and Ahwazi political groups. 1.0, 25-26 .*
- Qasemi, H. R. (2016). *Iran and its policy against terrorism Eradicating*

- Terrorism from the Middle East (pp. 201-221): Springer.
- Russell, J. A. (2007). Regional threats and security strategy: the troubling case of today's Middle East; *Strategic Insights*, v. 6, issue 6 (November 2007). *Strategic Insights*, v. 6, issue 6 (November 2007).
- Salehzadeh, A. (2013). Iran's domestic and foreign policies. Series 4: Working Papers, No 49 .
- A Set Of Resolutions Of The Recognitions Assembly Regarding The General Policies Of The system. (2003). Research Center Of The Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Stephen, M. (2011). Globalisation and resistance: struggles over common sense in the global political economy. *Review of International Studies*, 37(1), 209-228 .
- Tabatabai. (1981). *Shiia In Islam*. Qom: Allameh Tabatabai Scientific And Intellectual Foundation. (In Persian)
- Tabatabai, A. M. (2018). Other side of the Iranian coin: Iran's counterterrorism apparatus. *Journal of Strategic Studies*, 41(1-2), 181-207 .
- Thérien, J.-P., & Pouliot, V. (2017). Global Governance in Practice. *Global Policy*, 9(2), 2 .
- Varaei, S. J. (2010). Jurisprudential Principles Of Elementary Jihad. *Islamic Government*, 12(1), 2. (In Persian)
- Vinthagén, S. (2007). Understanding “resistance”: Exploring definitions, perspectives, forms and implications. E-journal. School of Global Studies. Gothenburg University .
- Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third World Quarterly*, 21(5), 795-814 .
- Yazdi, H., Sharifzadeh, & Mohammadjavad. (2016). The Biography Of The Holy Prophet(PBUH) In The Face Of Economic Threats. *Journal Of Islamic Economic*, 16(62), 2. (In Persian)
- Yoshimatsu, H. (1991). International Regimes, International Society, and Theoretical Relations. *International Studies*, 17, 42 .
- Zenko, M. (2018). US Military policy in the Middle East. London, UK: Chatham House Research Paper .
- Zulfqar, S. (2018). Competing interests of major powers in the Middle East: The case study of Syria and its implications for regional stability. *PERCEPTIONS: Journal of International Affairs*, 23(1), 121-147 .